

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

طائفة چهارم روایات دال بر حرمت تغیر جاهل

بحث در این ادله بود که دلالت دارد بر این قاعده حرمت تغیر جاهل. طایفه اول، دوم و سوم از روایات را خواندیم. بحث به طایفه چهارم رسیده مرحوم شیخ(ره) می فرمایند روایاتی داریم که دلالت دارد بر «حرمة سقى الخمر للصبي و الکفار»، که خوراندن خمر به صبی و کافر حرام است. در يك روایتی است از امام صادق(ع): «المولود يولد فتنسقيه الخمر - مولودی متولد می شود و ما خمر به او شرب می کنیم - فقال لا - فرمود این کار را - نکنید - من سقى مولوداً مسكراً سقاه الله من الجحيم»، کسی که به يك مولودی، مسکری را بنوشاند، خداوند او را «من الجحيم ياحميم» از جحیم یا از آتش سیراب می کند. و همچنین در روایت دارد «من سقاها يهودياً أو نصرانياً أو صابئياً أو من كان من الناس، فعليه كوزر من شربها» اگر کسی به يك یهودی یا يك نصرانی و یا صابئی - درصائبین اختلاف وجود دارد؛ که آیا اینها تابع يك دین و پیامبری بوده اند، و آیا پیامبرشان حضرت نوح بوده و یا دیگری بوده، محل بحث است - شراب بدهد، وزر آن کسی که این را می خورد، این وزر بر ذمه ساقی هم هست.

شاهد این است که شیخ انصاری(اعلی الله مقامه الشریف)، می فرماید وقتی خوراندن شراب به يك صبی حرام است، اگر به يك غیر صبی، شراب خوراندید به طریق اولی این حرام است، اگر به یهودی و نصرانی یا به يك مسلمان جاهل يك لیوانی دادید که او نمی دانست خمر است و خورد، به طریق اولی این کار حرامی است. پس این روایات هم دلالت بر این معنا دارد که تغیر جاهل حرام است.

طائفة پنجم روایات

روایات دسته بعد، روایاتی است که قبلاً هم خواندیم که اگر يك آب گوشتی نجس شد، امام(ع) امر فرمود که باید دور ریخته شود، که در آن روایات، امر به اهراق وارد شده است.

مؤید حرمت تغیر جاهل

مرحوم شیخ بعد از این که این روایات را مطرح فرمودند، يك مؤیدی هم ذکر کرده اند. آن مؤید این است که فرمودند؛ اکل حرام و شرب حرام، ولو در حق کسی که عنوان جاهل را دارد، قبیح است و آن قبیح و ملاک واقعی آن، به خاطر جهل از بین نمی رود. شاهدش هم این است در مواردی که انسان شك دارد آیا این آب است یا شراب است، احتیاط در آن موارد خوب است.

این حسن احتیاط کاشف از این است که اگر این مایع فی الواقع حرام باشد ما مرتکب آن نشویم و از این شبهه اجتناب کنیم. اگر بگوییم به ملاک این که ما جاهل هستیم اصلاً هیچ عیب و قبحی حق در واقع وجود ندارد؛ پس لازمه‌اش این بود که دیگر در موارد جهل، احتیاط حسن نباشد. پس این که می‌بینیم در موارد جهل نیز احتیاط حسن است، این کاشف از این است که جهل این آدم جاهل، آن قبح واقعی حرام را از بین نمی‌برد، و آن قبح به حال خودش باقی است و شارع نمی‌خواهد انسان مرتکب آن عمل قبح واقعی شود.

مقتضای قاعده در تفریر جاهل

آیا اگر ما باشیم و قاعده، قاعده چه اقتضایی دارد؟ این روایاتی را که خواندیم در بعضی از آنها مناقشات روشنی بود، حالا با قطع نظر از این روایات – ولو اینکه مجدداً ما به این روایات بر می‌گردیم – مخصوصاً با توجه به تأییدی که مرحوم شیخ در اینجا ذکر فرمودند، قاعده چه اقتضایی را دارد؟ آیا قاعده در اینجا این است که تفریر جاهل حرام است یا نه؟ اینجا برای این که با قطع نظر از این روایات استفاده کنیم که تفریر جاهل حرام است. دو بیان وجود دارد

بیان اول

همین بیانی است که مرحوم شیخ اشاره فرمودند. شیخ(ره) می‌فرماید همانطوری که فعلی را که انسان عالم است به اینکه این حرام است شارع نمی‌خواهد که ما او را مرتکب شویم، فعلی را که انسان جاهل است اگر احتمال دهد که آن ملاک حرام در آن وجود دارد، او را هم شارع نمی‌خواهد انسان مرتکب شود.

در اینجا از راه ملاک وارد شویم و بگوییم شارع نمی‌خواهد چیزی که مبعوض او هست واقع شود، این شخص که عالم است که این خمر است حق ندارد این را استفاده کند، دیگری که می‌خواهد تفریر کند، يك لیوانی را دست این شخص می‌دهد، این شخص نمی‌داند، آن خمر است، اما دیگری می‌داند که آنچه که مبعوض برای شارع است الان می‌خواهد واقع شود، بگوییم همین مقدار کفایت می‌کند در این که تفریر جاهل حرام است، به ملاک این که آنچه که مبعوض شارع است واقع می‌شود. خلاصه اینطور بیان کنیم که چون ملاک محقق می‌شود، از باب تحقق ملاک حرام است.

بیان دوم

این است که بگوییم ادله دالّ بر محرمات، که می‌گوید «الخمر حرام» یا محرمات دیگر، این ادله اطلاق دارد و معنای اطلاق این است که شارع می‌خواهد این محرم ترك شود چه بالمباشرة و چه بالتسبیب، یعنی اگر در يك جا کسی خودش می‌داند این حرام است مباحثراً باید ترك کند، وقتی دیگری می‌خواهد سبب شود که آدم جاهل خمر را بخورد، ادله محرمات این را هم می‌گیرد و می‌گوید الخمر حرام مباحثراً أو بالتسبیب.

بررسی دو بیان

ابتدا این دو بیان را بررسی کنیم تا ببینیم آیا این دو بیان، بیان درستی است یا بیان درستی نیست؟

بررسی بیان دوم

بر بیان دوم مرحوم آقای خوئی(ره) در مصباح الفقاهة تکیه دارند. آیا ادله داله بر محرمات، يك چنین اطلاقی که ایشان ادعا فرموده‌اند دارد که بگوئیم دلیلی که می‌گوید «الخمير حرام» اطلاق دارد و می‌گوید خمر حرام است چه مباشرة بخورید و چه به تسبیب واقع شود. مباشرة که روشن است، این بالتسبیب یعنی چه؟ آیا می‌خواهیم بگوئیم آنجایی که کسی سبب شد که کسی خمر را بخورد، اینجا آن شارب ولو جاهل است، «الخمير حرام» جاهل را هم می‌گیرد. در مورد جاهل که ما می‌گوئیم اصلاً نمیشود اینجا حکمی داشته و عقابی داشته باشد، چرا که عذر او جهل اوست. پس او را که نمی‌توانیم بگوئیم کار حرامی را انجام داده است.

بگوئیم مقصود این است که این آدمی که لیوان را به آدم جاهل داده، این شخص خودش مرتکب این حرام شده است، یعنی این آدم هم مثل کسی است که خمر را خورده است. یعنی اگر ما بگوئیم ادله محرمات هم مباشرة و هم بالتسبیب را شامل می‌شود، معنایش این می‌شود که آن کسی که عالمأ خمر می‌خورد با این آدمی که سبب می‌شود برای اینکه دیگری خمر بخورد، از نظر حرام هردو علی السویه هستند. این آدمی که لیوان را به دست دیگری داده، بگوئیم این هم مثل کسی است که خودش خمر خورده است، بلکه حتی نه مثل او است بلکه در ردیف او است و این هم شارب الخمر است، این شخص هم حرام را مرتکب شده است و هم تمام آثار شرب خمر بر او بار شود.

نقد بیان دوم

این بر خلاف ظاهر این ادله است، ممکن است کسی که سبب تفریر دیگری می‌شود، از راه دیگری این حرامی را مرتکب شده، ولی نمی‌توانیم بگوئیم همان درجه حرمت خمر را که شارب الخمر مرتکب می‌شود، همان اندازه این آدم هم مرتکب شده است. ایشان می‌فرمایند ادله اولیه، اطلاق دارد، ما که از این اطلاق چیزی نمی‌فهمیم. وقتی می‌گوید «الخمير حرام» یعنی کسی که خودش شارب الخمر است، اما هیچ وقت این مورد یکه کسی سبب شود برای اینکه دیگری خمر را بخورد، دلیل دلالت ندارد که هم همان حرمت شرب خمر گریبان این شخص را می‌گیرد. دلیل می‌گوید شارب الخمر مرتکب حرام شده است، استحقاق حد دارد و شهادتش قبول نمی‌شود و...، اما این کسی که سبب شده است که دیگری خمر بخورد این شامل او نمی‌شود. لذا این اطلاقی را که ایشان فرموده‌اند، يك اطلاقی است که بعید عن مذاق العرف، بعید عن فهم العرف. و اصلاً خود متشرعه هم این اطلاق را در اینجا نمی‌پذیرد که بگوئیم مولا که گفته این خمر حرام است فرق نمی‌کند چه خودت بخوری و چه تو سبب شوی که دیگری خمر را بخورد، هردو شخص مرتکب آن درجه حرمت خمر خواهید شد. این بیان، بیان درستی نیست.

بررسی بیان اول

اما بیان مرحوم شیخ(ره) – که آن بیان شیخ هم درکلمات ایشان وجود دارد – بگوئیم هدف شارع از واجبات و محرمات، تحقق مصالح و ترك مفاسد است. در نزد شارع، خمر يك مبغوضیتی دارد که شارع می‌خواهد این مبغوضیت در عالم خارج واقع نشود. حال آن کسی که شارب الخمر است، و مبغوض شارع را عملاً و مباشرة انجام می‌دهد کار حرامی کرده است، آن کسی هم که دیگری را فریب می‌دهد، در آن صورت هم مبغوض شارع در عالم خارج محقق می‌شود، پس بگوئیم آن هم کار حرامی را انجام داده است.

نقد استاد بر بیان اول

به نظر ما این بیان هم مخدوش است، درست است که در خمر يك مفسده‌ای وجود دارد، اما آن درجه‌ای که به حد حرمت برسد و بر آن عقاب مترتب شود، آن درجه منوط به این است که آن فاعل و شارب، علم داشته باشد، و لذا می‌گوییم اگر شارب علم نداشت – اگر کسی لیوان را برداشت و خورد و نمی‌دانست این خمر است – این عقاب ندارد. حتی بالاتر عرض کنیم اگر يك لیوان خمیری را به نیت الوجوب خورد، مثلاً فکر کرد نذر کرده و خورد، اینجا شبه انقیاد وجود دارد.

پس در آنجایی که علم ندارد، مبغوض نیست، بلکه مفسده واقعی دارد ولی بین مفسده واقعی و مبغوضیت فرق وجود دارد. شارع می‌گوید اگر این به حدی باشد که تو به آن علم داشته باشی و بخوری برای ما مبغوض است، حالا اگر زید علم دارد که این خمر است، و به دیگری می‌دهد می‌خورد و می‌داند او کار حرامی را انجام نمی‌دهد، یعنی به آن درجه مبغوضیت نرسیده است. بعبارۀ آخری اصلاً این بیان عین مدعاست، این بیان که ما بگوییم این آدمی که تغیر کرده، این سبب شده آنچه که مبغوض شارع است محقق شود، این اول الکلام است. فعلی را که جاهل انجام می‌دهد، از مصداق مبغوضیت للشارع خارج است. جاهل بما این که جاهل است این فعلش مبغوض شارع نیست. بعبارۀ آخری بین مفسده واقعی و بین مبغوضیت فرق است، این خمر مفسده واقعی دارد اما مبغوضیت ندارد، وقتی آدم جاهل است و می‌خورد این مبغوض شارع نیست پس این بیان هم مردود است.

فرمایش مرحوم امام(ره)

فرمایش مرحوم امام(رضوان الله علیه) این است – ولو اینکه امام(ره) تعرضی به رد کردن این دو دلیل نداشتند – می‌فرمایند ما وقتی به قاعده مراجعه می‌کنیم، جاهل چون بالفعل حکمی ندارد، و آن کاری را که جاهل انجام می‌دهد کار حرامی نیست، این آدمی هم که این لیوان را دست او می‌دهد، نمی‌توانیم بگوییم این موجب حرام می‌شود، او حرام انجام نمی‌دهد و نمی‌توانیم بگوییم این از باب تغیر حرام است. لذا ایشان فرموده‌اند که «فتحصل أنه لا دليل معتمد على قاعدة التغیر و قد مر ان العقل حاکم بجواز التسبیب الى ما كان مباحاً ظاهراً فضلاً عن تغیر الجاهل به الا اذا احرزت مبغوضيته ولو فی حال الجهل» می‌فرمایند اگر يك چیزی ظاهراً برای کسی مباح است، مثل این آدمی که جاهل است به این که این خمر است خوردن این مایع برایش مباح است، می‌فرمایند تسبیب به حرام واقعی که ظاهراً مباح است عقل می‌گوید جایز است.

پس تسبیب جایز است، چه برسد به ما نحن فيه که مانحن فيه اصلاً تسبیب نیست، بلکه تغیر است. نکته‌ای که اینجا باید در آن دقت شود این است که برخی از این روایاتی را که خواندیم بحث تسبیب است، اگر کسی سبب شود که دیگری حرام را انجام بدهد – مثل مکره، که يك کسی دیگری را اکراه کند که این لیوان خمر را اگر نخوری تو را می‌کشم، این سبب شده است که او حرام را بخورد – درباب تسبیب هم ایشان می‌فرمایند نظر ما این است که اگر يك چیزی که برای دیگری ظاهراً مباح است، حالا بخاطر اکراه ظاهراً برایش مباح می‌شود، می‌گوید اگر نخوری تو را می‌کشم، تسبیب به چیزی که ظاهراً مباح است می‌فرمایند مانعی ندارد، چه برسد به ما نحن فيه که عنوان تغیر را دارد.

در تغیر، تسبیب نیست، به این معنا من يك لیوان آب جلوی او گذاشتم، و او می‌توانست نخورد، خودش به اختیار خودش فکر کرد و خورده است، آن آدمی که این کار را کرده، سبب این شرب نشده است، مثل همان اکراهی که علیت تامه دارد برای این که آن شخص فعل را انجام دهد، پنج لیوان قاطی است و یکی از آنها را هم ما خمر قرار دادیم، زید هم تصادفاً همان یکی را برداشت و خورد، اینجا باب تغیر است.

نقد امام(ره) بر ادله حرمت تغریر

لذا ایشان می‌فرمایند که ما برای حرمت تغریر دلیلی نداریم و تمام آن روایاتی را که خواندیم یا از نظر ضعف سندی یا از نظر ضعف دلالتی یا از نظر وجود تعارض، همه مورد اشکال است.

نظر استاد

حق هم با ایشان است یعنی ما علی القاعده دلیلی بر این که تغریر الجاهل بالحرام حرام است نداریم. آن وقت اینجا يك بحث مهمی است که مرحوم شیخ انصاری(ره) در مکاسب فرمودند که «والحاصل ان هوهنا اقسام اربعه» چهار قسم در اینجا آورده‌اند که این بحث و این چهار قسم که بحث مفصلی هم دارد، که عمده‌تاً بحث همین صور اکراه است، کجا علت تامه می‌شود و کجا شرطیت دارد، کجا عدم المانع است که ان شاء الله بیان می‌کنیم.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.